

بی خانمانی به مثابه یک مسئله اجتماعی: با تاکید بر تاثیر امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی بر پدیده بی خانمانی. مورد مطالعه: شهر کرج

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه بی خانمانی با متغیرهای امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی انجام شده است بنابراین از نظر هدف، کاربردی می باشد.

روش شناسی تحقیق: مطالعه حاضر به روش کمی و با ابزار پرسشنامه محقق ساخته در میان بی خانمانهای شهر کرج اجرا شد. بنابراین از نظر گردآوری اطلاعات پیمایشی، از نظر ماهیت از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل همه افراد بی خانمانی است که در زمان مطالعه در گرمخانه های ثابت یا متغیر شهر کرج به سر می برند. آمار ثبت شده برای این افراد، به طور تقریبی بین ۴۹۰ تا ۵۰۰ نفر می باشد. حجم نمونه این تحقیق براساس فرمول کوکران برابر با ۲۱۷ می باشد که محقق با مشورت استاد راهنما و با توجه به دقت کار آن را به ۳۵۰ نفر پاسخگو افزایش داده است. روش نمونه گیری در مرحله اول به صورت خوشه ای جهت انتخاب مراکز چهارگانه (میدان قدس، حصارک بالا، پارک چمران و مصلی شهر کرج) استفاده شد و در مرحله بعد تصادفی می باشد. برای تحلیل داده ها از آزمون های آماری پیرسون، رگرسیون چند متغیره استفاده شد و بوسیله نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته ها: نتایج نشان می دهد بین امنیت اقتصادی (با ضریب $0/516$) و پدیده بی خانمانی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که متغیر مستقل امنیت اقتصادی ۵۱ درصد بر بروز بی خانمانی اثر گذار است. از سویی دیگر بین انسجام اجتماعی (با ضریب $0/512$) و پدیده بی خانمانی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که متغیر مستقل انسجام اجتماعی ۵۱ درصد بر بروز بی خانمانی اثر گذار است. و در آخر بین امنیت اجتماعی (با ضریب $0/368$) و پدیده بی خانمانی رابطه معناداری وجود دارد. بدین معنا که متغیر مستقل امنیت اجتماعی ۳۶ درصد بر بروز بی خانمانی اثر گذار است.

کلیدواژه ها: بی خانمانی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، انسجام اجتماعی، مسئله اجتماعی.

مقدمه و بیان مسئله

بی‌خانمانی^۱ بر هر کشور و هر جامعه‌ای تأثیر می‌گذارد. در بسیاری از نقاط جهان، بی‌خانمانی در حال افزایش است که ناشی از نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و بهداشتی است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بی‌خانمانی یا بررسی نمی‌شود یا اغلب نام این موضوع متفاوت است، اما بی‌خانمانی به عنوان یک نقض حقوق بشر به طور مشابه ادامه دارد. بی‌خانمانی رایج‌ترین شکل محرومیت از مسکن است که به شکل سکونتگاه‌های غیررسمی بزرگ و ضعیف قابل مشاهده است، اغلب بدون دسترسی به آب سالم و بهداشت و برق، و ساکنان آن اغلب در ترس دائمی از اخراج اجباری زندگی می‌کنند. با این حال، اشکال دیگری از بی‌خانمانی نیز در جنوب جهانی وجود دارد، چه ساکنان پیاده‌رو، چه افرادی که سازه‌های در معرض خطر و اغلب به اصطلاح «غیر مجاز»^۲ را اشغال می‌کنند یا در کمپ‌ها و گرمخانه‌ها اقامت دارند. این پدیده بیشتر در کلانشهرها که با چالش‌های نوظهور مانند فرآیندهای سریع شهرنشینی، سیاست‌های اقتصادی نابرابر، و ایدئولوژی‌های سیاسی-نهادی همراه با تهدیدهای خطرناک اکولوژیکی و اقلیمی همراه هستند مشاهده می‌شود. از این‌رو در پژوهش حاضر به عوامل اجتماعی مؤثر در پیدایش و تداوم مسئله بی‌خانمانی در کلانشهر کرج پرداخته شده است. بنابراین، این پژوهش علاوه بر ناامنی مسکن، به هم پیوستگی مسائل مسکن، سلامت، ثروت، اشتغال، سیاست، تبعیض و اجتماع را نشان می‌دهد و اینکه چگونه این عوامل تعیین‌کننده و محرک‌های اجتماعی به‌عنوان مضامین تداوم و مسلط برای تحقیقات بی‌خانمان‌ها و برای کسانی که در بی‌خانمانی زندگی می‌کنند قرار می‌گیرند. بی‌خانمانی به شرایطی دلالت دارد که در آن افراد به صورت منظم مسکن و مکان ثابتی برای زندگی ندارند. افرادی که بی‌خانمان هستند اغلب قادر به دستیابی به خانه مناسب و ایمن برای اقامت در شب نمی‌باشند (Allen et al:2020). بی‌خانمان بودن یعنی نداشتن «خانه». هولچانسکی (2009:2) «خانه» را به عنوان «فضای اجتماعی، روانی و نه فقط یک خانه به عنوان یک ساختار فیزیکی» تعریف می‌کند. به این ترتیب، «بی‌خانمان»^۳ همچنین به معنای عدم وجود همه این راحتی‌ها و حمایت‌های جسمی و اجتماعی-احساسی است. بی‌خانمانی دارای اشکال و عناوین متفاوتی مثل ماشین خوابی، کارتن خوابی، اتوبوس خوابی، قطار خوابی، گور خوابی، زیر پل خوابی، خیابان خوابی، مترو خوابی، خرابه خوابی و ... می‌باشد. سازمان ملل بی‌خانمانی را به دو دسته تقسیم می‌کند ۱- بی‌خانمانان مطلق: افرادی که در خیابان زندگی می‌کنند و در اثر حوادث مختلف در زندگی به این وضعیت مبتلا می‌شوند. ۲- بی‌خانمان نسبی: کسی است که استانداردهای اسکان را مثل حمایت مناسب، آب سالم، امکانات بهداشتی و امنیت

1. Homelessness

2. Unauthorized

3. Homeless person

را ندارد (Bidari:2019) برخی از دست دادن مسکن به مدت ۱۴ روز یا بیشتر به صورتی که فرد نتواند منزلی از طریق شبکه‌های حمایتی، خانوادگی یا منابع دیگر بدست آورد، یکی از ملاک‌های بی‌خانمانی تلقی می‌کنن (Ghaderi & Akbari:2016). هرچند که آمار دقیقی از بی‌خانمانی در کشور و شهرهای ایران وجود ندارد، اما بدون شک مسائل اجتماعی به صورت عام و بی‌خانمانی به صورت خاص در چند دهه اخیر در کشور رشد چشم‌گیری داشته است. رشد بی‌خانمانی آنقدر چشم‌گیر است که امروزه ما در تجربه زندگی خود به‌ویژه در کلان‌شهرها با آن‌ها مواجه هستیم. یکی از استان‌هایی که به شدت با رشد جمعیت مهاجر و شهرنشینی سریع رو به رو است، استان البرز با مرکزیت کلان‌شهر کرج است. استان البرز دارای ۱۸ شهر و حدود ۳۰۰ روستا است که جمعیتی بیش از ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر را در خود جای داده است و طبق گزارش رسمی سالانه بین ۱۲۰ هزار تا ۱۴۰ هزار نفر جمعیت به واسطه مهاجرت‌ها به جمعیت البرز افزوده می‌شود^۱. به‌رغم رشد چشم‌گیر بی‌خانمانی در کلان‌شهر کرج، مطالعات آکادمیک قابل توجهی درباره علل بی‌خانمانی و راه‌های مقابله با آن انجام نشده است و توجه به این مسائل از سوی مسئولان و افراد نیکوکار به صورت فصلی به ویژه در فصل زمستان است. با توجه به اهمیت مطالعه مسائل اجتماعی در راستای دستیابی به توسعه اجتماعی و فراهم‌سازی بسترها و زمینه‌های لازم جهت رشد و شکوفایی همه انسان‌ها و توجه هر چه بیشتر به کرامت انسانی و حقوق بشر تمام شهروندان کرج، این مطالعه با هدف روشن‌سازی پدیده بی‌خانمانی به عنوان یک مسئله اجتماعی در کلان‌شهر کرج و رابطه آن با امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی، بر اساس یک برنامه مشخص پژوهش دانشگاهی، در قالب یک رساله دکتری انجام شده است. لذا سؤال پژوهشی که محقق در این مطالعه بدان پاسخ داده است را می‌توان بدین‌گونه تدوین کرد: بی‌خانمانی چه رابطه‌ای با امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی دارد؟

ملاحظات نظری

بی‌خانمانی به عنوان مسئله اجتماعی^۲

در مورد مسئله اجتماعی بودن بی‌خانمانی می‌توان حداقل چهار دلیل زیر را برشمرد: اولاً، جامعه‌شناسان بر این باورند که مشکل اجتماعی بخصوص بی‌خانمانی و سایر آسیب‌های اجتماعی پدیده‌های فردی یا انتزاعی نیستند. در عوض، آن‌ها پدیده‌های اجتماعی ریشه‌دار در جامعه هستند. از دیدگاه جامعه‌شناسان، شکاف بین گروه‌های مختلف جامعه به ظهور برخی از بیماری‌ها در قالب جرم و مشکلات اجتماعی در جامعه منتهی می‌شود (Macionis, 2017: 48). دوماً، بی‌خانمان شدن معمولاً ناشی از یک عامل خطر منفرد نیست، بلکه بیشتر اوقات نتیجه چندین مسأله پیچیده و نگرانی‌ها، هم ساختاری و هم شخصی است. عوامل ساختاری مانند فقر، بیکاری،

^۱. مهدی حسینی معاون شهرسازی و معماری اداره کل راه و شهرسازی البرز در مصاحبه با خبرنگار ایرنا، کد خبر ۸۵۱۸۶۱۷۰، ۱۰ مرداد ۱۴۰۲.

^۲. Social problem

محرومیت اجتماعی و فقدان مسکن ارزان قیمت و مسکن اجتماعی به طور گسترده ای به عنوان عوامل مؤثر در ایجاد و حفظ شرایط بی خانمانی و ریسک مسکن شناخته شده اند. (Sahraei, 2022:30). سوما، دلیل دیگری که بی خانمانی یک مسئله اجتماعی است، این است که تهدیدی برای اهداف اجتماعی است. اگر اهداف یک جامعه را توسعه و توسعه را در معنای مورد نظر آمارتیا سن (2016)، «توسعه به منزله آزادی» (Peet & Hard, 2021:21)، یا در معنای مورد نظر «فردریک نواوزر» «رشد و شکوفایی انسان» (Nohavors, 2023:25) تلقی کنیم، بی خانمانی مانع بزرگی در دستیابی به این هدف است و بر علیه این هدف کار می کند. وقتی افراد خانه های مناسب برای زندگی نداشته باشند، به امکانات اولیه ای که برای ارتقای رفاه ضروری است دسترسی نخواهند داشت، مثلاً، در دسترس نبودن آب آشامیدنی تمیز که برای افراد مضر است (Kapur, 2022:5). بالآخره اینکه، بی خانمانی نتیجه اعمال قدرت است. باید به خاطر داشته باشیم که وقتی گروه های مختلف تفاسیر و اولویت های رقیب در مورد حقوق بشر دارند، دیدگاه قدرتمندترین ها غالب می شود. در دیدگاه قدرتمندان بی خانمان ها افرادی مجرم و تنبل هستند و نباید به آنها کمک کرد و از این رو به جای تلقی شهروندان مستحق، آنها را مجرمانی کثیف می دانند که باید مجازات شوند (Bonds, 2021:10).
نظریه ساختاری-کارکردی¹

مقدمات اساسی نظریه ساختاری-کارکردی این است که آنچه برای جامعه خوب است، برای افراد خاص است (Sanderson, 2012:27). بی خانمانی، مانند ثروت یا فقر، محصول ساخت اجتماعی است. هربرت گانز² (1971, 2012) ادعا می کند که فقر برای جامعه - یا حداقل برای افرادی که از آن سود می برند - کارکرد دارد. همچنین پیشنهاد شده است که فقر شدید، بخصوص بی خانمانی، یک کارکرد انضباطی است و مجازات دارد (Hopper: 2003). ما ممکن است کمی به فقرا کمک کنیم تا احساس بهتری نسبت به کمک به نیازمندان داشته باشیم، اما به ندرت اقداماتی انجام می دهیم که واقعا آنها را از فقر نجات دهد. این تصور که ما نمی خواهیم از فقر خلاص شویم، برای درک اینکه چرا کسب و کارهای بزرگ مجاز به کسب سودهای کلان از کسانی که فقیر مانده اند، ضروری است (Vissing & et al, 2020:65).
نظریه های ستیز/ تعارض³

بی خانمانی نتیجه کاستی های فردی نیست، بلکه عیب خود جامعه است. جنگ قدرت بین طبقات اجتماعی نتیجه جامعه سرمایه داری است. افراد صاحب قدرت (بورژوازی) ساختارها، قوانین و ایدئولوژی هایی را ایجاد و ترویج می کنند که به نفع آنها باشد، در حالی که کارگران و کسانی که قدرت ندارند (پرولتاریاها) زندگی خود را حول استثمار هنجاری شکل می دهند (Marx: 1964). صاحبان مشاغل با ندادن منابعی برای دریافت غذا و سرپناه

¹ . Structural- functionalism

² . Herbert Gans

³ . Conflict theory

کارگران را استثمار می‌کنند. نخبگان قدرت برای حفظ ثروت، اعتبار، قدرت و کنترل دارایی‌های مالی و حفظ وضع موجود توسط مردم، همسویی‌هایی با دیگران، شرکت‌های تابعه سازمان‌ها و سیستم‌های پیچیده‌ای ایجاد می‌کنند که در نگاه عموم شفاف و آشکار نیستند (Mills:1956). (افرادی که در مناصب قدرت هستند فقرا و بی‌خانمان‌ها را بی‌انگیزه، بی‌سواد، تنبل و مایل به دریافت مراقبت از دیگران می‌دانند.

نظریه برچسب‌گذاری: انگ بی‌خانمانی^۱

آیا افراد بی‌خانمان به خوبی دیگران نیستند؟ بستگی دارد از چه کسی بپرسید. این که چگونه مردم و سیاست‌گذاران کمبود مسکن را درک می‌کنند و برچسب می‌زنند، عامل تعیین‌کننده‌ای است که آیا بی‌خانمانی یک مشکل شخصی یا اجتماعی تلقی می‌شود. نحوه برچسب زدن افراد هنگام درخواست کمک ممکن است واجد شرایط بودن آنها و اینکه آیا واقعا کمک دریافت می‌کنند یا خیر را تعیین کند. (Vissing & et al,2020:65). مهم نیست که شرایط برای فردی که به کمک نیاز دارد چقدر مشروع باشد، وقتی به عنوان یک طرد شده شناخته شود، خلاص شدن از شر آن برچسب دشوار است. جامعه‌شناسانی که درباره این موضوعات می‌نویسند به تأثیراتی که ایده‌های جامعه در مورد قومیت، جنسیت، فقر و سایر مقوله‌های اجتماعی بر این موضوع دارند که آیا ما مردم را خوب یا بد، خطرناک یا مهربان، باهوش یا بی‌هوش می‌بینیم، علاقه‌مند هستند. آنها همچنین بر چگونگی درونی کردن کلیشه‌ها توسط افراد تمرکز می‌کنند، که به نوبه خود می‌تواند باعث ایجاد شک و تردید در خود شود (Turner,2018:35). از این نظر، اقدامات بی‌خانمان‌ها، حتی برای بقای خود، غیرمنطقی، غیرقانونی، تحقیر شده یا نشانه‌ای از ارزش اخلاقی مشکوک تلقی می‌شود. جامعه به جای اینکه بفهمد چگونه فقر و بی‌خانمانی ناشی از نابرابری ساختاری است، اغلب افراد بی‌خانمان را به خاطر شرایط فعلی‌شان سرزنش می‌کند (Sahraei,2022:35). «جرم‌انگاری»^۲ بی‌خانمانی، استراتژی طراحی شده برای محافظت از توانایی شهرها و اجتماعات برای تولید و انباشت ثروت است. یکی از راه‌هایی که جرم‌انگاری بی‌خانمانی انجام می‌شود، اجرای هنجارها و مقررات فضای عمومی است که مشخص می‌کند یک مکان چه نوع منطقه‌ای است و به چه کسانی تعلق دارد (Vissing & et al,2020:132).

نظریه رانش اجتماعی^۳

این واقعیت که برخی از مردم زندگی آسان و فراوانی دارند در حالی که برخی دیگر چالش و کمبود را تجربه می‌کنند، موضوع جدیدی نیست. ماکس وبر (1905) معتقد بود که اخلاق پروتستانی توسعه سرمایه‌داری را تقویت می‌کند. از آنجایی که اشخاص نمی‌توانستند بدانند که آیا آنها در ملکوت خدا «نجات می‌یابند»، به دنبال شاخص‌های ملموس در اینجا روی زمین بودند (Crab,2003:414). مردم را به شیر تشبیه می‌کردند، جایی که

¹ . Labeling theory: stigma of homelessness

² . Criminalization

³ . Social drift theory

خامه غنی به سمت بالا شناور می‌شد و شیر کمتر مطلوب به پایین فرو می‌رفت. «خامه و سرشیر بودن» از نظر اجتماعی مطلوب بود. باید چیزی ذاتا کمتر مطلوب یا بد در مورد کسانی که نتوانسته‌اند بالا بیایند وجود داشته باشد. باید در مورد کسانی که در پایین بشکه هستند مشکلی وجود داشته باشد و کسانی که به سمت بالا رفتند باید چیز بسیار خاصی در مورد آنها وجود داشته باشد. (Vissing & et al, 2020:61). این دیدگاه معتقد است که آنهایی که بی‌خانمان هستند باید گنگ، تنبل، بیمار روانی، معتاد، بیمار جسمی یا به نحوی دچار کمبود باشند. در این دیدگاه‌ها دیده می‌شود که بی‌خانمانی ناشی از «آثار مخرب سوء مصرف مواد و بیماری‌های روانی» است (Baum & Burns:1994). (تحقیقات معاصر عمدتا از این فرضیه حمایت می‌کند که استرس اجتماعی، عدم حمایت و سایر اشکال به حاشیه‌راندن اجتماعی منجر به بیماری روانی می‌شود. فقط داده‌های محدودی در مورد فرضیه رانش اجتماعی در دسترس است، مبنی بر اینکه بیماری‌های روانی به صورت درون‌زا، به دلایل بیولوژیکی و ژنتیکی ایجاد می‌شوند که باعث می‌شود افراد فقیر و بی‌خانمان شوند (Hodson:2012).

نظریه نگرش بی‌اعتنایی¹

گئورگ زیمل در مقاله «کلان‌شهر و حیات ذهنی» شدت محرک‌های ایجاد شده توسط محیط شهری و پیامدهای آن برای روانشناسی شهرنشین را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر خلاف سرعت و ریتم‌های کندتر زندگی در شهر کوچک، زندگی شهر با «تغییر سریع و مداوم محرک‌های خارجی و داخلی مشخص می‌شود. تلسکوپ کردن سریع تصاویر در حال تغییر، تفاوت‌های برجسته در آنچه با یک نگاه درک می‌شود را نشان می‌دهد» (Simmel, 1903/1971:325). در حالی که سرعت کندتر و ارتباطات اجتماعی محدود در شهرهای کوچک باعث ایجاد پیوندهای عاطفی بین افرادی می‌شود که در آنها ساکن هستند، این کلان‌شهر با نوسانات بی‌وقفه محرک‌ها و گستردگی روابط بین فردی، با پرورش یک زندگی عاطفی غنی ناسازگار است. تلاش برای انجام این کار منجر به تحریک بیش از حد حواس می‌شود که در نتیجه یک فلج روانشناختی و عاطفی ایجاد می‌کند (Seyedin & et al, 2022:62). این امر باعث می‌شود که شهرنشین در وهله نخست نسبت به جهان خود واکنش نشان دهد. بنابراین، واکنش فرد کلان‌شهر در برابر آن وقایع به حوزه فعالیت ذهنی منتقل می‌شود که کمترین حساسیت و از اعماق شخصیت بیشترین فاصله را دارد» (Simmel, ibid:326). «نگرش بی‌اعتنایی» یک واکنش خاکستری احساسی است که فرد را از غرق شدن در شدت احساسی زندگی در شهر محافظت می‌کند. در نتیجه، شخصیت کلان‌شهری «کیفیت» و اختلافات را بی‌معنا تجربه می‌کند: چیزها «برای شخص بی‌اعتنا به رنگ یکدست، مسطح و خاکستری ظاهر می‌شوند و هیچ‌کس شایسته ترجیح دادن به دیگری نیست» (Simmel, ibid:330). (نگرش بی‌اعتنایی، گرچه چشم‌انداز انطباقی است، اما با اقتصاد پولی همراه است که مانع پیشرفت زندگی معنادار احساسی می‌شود. پول یک معیار ارزشمند و غیر شخصی استاندارد است. هرچه پول بیشتر واسطه روابط ما باشد و به عنوان واسطه‌ای

¹. Blasé attitud

برای ابراز وجود خود باشد، زندگی بیشتر حالت کمی را به خود می‌گیرد ([Appelrouth & Edles, 2021:343](#)) (نزدیک بودن فیزیکی در تضاد با فاصله فکری است و برای فرد این ترکیب، خود را به مثابه یک بیزاری و نگرش کتمان شده نسبت به همشهریان آشکار می‌کند ([Lastsen & et al, 2022:72](#))). با توجه به نگرش بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی که از ویژگی‌های شخصیتی ساکنان شهرهای بزرگ امروزی است می‌توان گفت که بی‌توجهی به اوضاع و احوال دیگران به ویژه آشنایان و دوستان، یک عامل مهم پیدایش و گسترش بی‌خانمانی در زندگی شهری امروزی است.

پیشینه تحقیق

[Zare\(2018\)](#) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین فاکتورهای فردی با دفعات و مدت بی‌خانمانی»، به مطالعه این موضوع پرداخت. این پژوهش با استفاده از یک طرح غیرآزمایشی و مقطعی و با روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد بین ویژگی‌های فردی و دفعات بی‌خانمان شدن رابطه معنادار قوی وجود ندارد که نشان از تکرار بی‌خانمانی باشد. امریست صرف‌نظر از سن، جنسیت، تأهل، میزان ارتباط با خانواده، وضعیت اشتغال و نحوه تأمین هزینه زندگی. ([Ramezani & et al\(2019\)](#) ، تحقیقی با عنوان «بررسی کارایی سیاست‌های سامان‌دهی بی‌خانمان‌ها در ایران»، انجام دادند. محققین تأکید دارند که هیچ قانون ملی مشخصی درباره افراد بی‌خانمان وجود ندارد و اقداماتی که امروزه انجام می‌گیرد بر اساس مصوبه شورای عالی اداری به شماره ۶۳۰/۷۰ مصوب ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۸ است که با عنوان «طرح شناسایی و جمع‌آوری افراد متکدی» تصویب شده ([Miri\(2021\)](#)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جمعیتی و جامعه‌شناختی کارتن خواب‌ها در شهر تهران»، به بررسی ویژگی‌های جمعیتی و متغیرهای مؤثر بر کارتن خواب‌های گرمخانه خاوران تهران پرداخت. در این بررسی نظریه‌های سازمانی اجتماعی، پیوند اجتماعی هیرشی و نظریه‌های تبیین‌کننده بی‌خانمانی جهت تدوین الگوی نظری و فرضیات مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری این تحقیق کلیه افراد بی‌خانمان حاضر در گرمخانه خاوران در جنوب شرق تهران به تعداد ۲۷۲ نفر در زمان مراجعه محقق بود که به‌صورت تمام شماری مورد بررسی قرار گرفت. ([Eisari\(2024\)](#)، در مقاله‌ای تحت عنوان «چالش‌های زندگی و مدیریت در گرمخانه‌های زنان بیخانمان در شهر تهران» بیخانمانی راملول زنجیره‌ای از مسائل ساختاری می‌داند. یافته‌های این پژوهش که از طریق مصاحبه کیفی عمیق و مشاهده‌های میدانی از چهار گرمخانه زنان شهر تهران انجام شده است نشان می‌دهد که گرمخانه‌ها به موازات ارائه خدمات گوناگون به زنان بی‌سرپناه، بهنجارسازی آنها را نیز صورت می‌دهد. سیاست‌های انضباطی رایج در گرمخانه‌ها، سبب ساز مجموعه‌ای از چالش‌ها و منازعات قدرت می‌گردد و خود در فرایندی پارادوکسیکال می‌تواند به جای ادغام زنان بیخانمان سبب ساز طرد آنها شود. یافته‌ها در نشان می‌دهد که گرمخانه‌های زنان با گستره‌ای از چالش‌ها در حوزه‌های گوناگون نظیر خدمات دهی به مددجویان، چالش‌های فراسازمانی، وضعیت شغلی پرسنل،

چالش های فضای اجتماعی، چالش های مدیریتی و چالش های مرتبط با قشر بندی مددجویان دست به گریبان است. در انتها راهکارهایی در راستای ارتقای کیفیت خدمات دهی در گرمخانه ها ارائه شده است [\(Meshkini & Shakeri Mansour, 2023\)](#). در مقاله ای تحت عنوان «تسکینی بر فقیران شهری: ارائه الگوی برنامه ریزی مسکن بیخانمانها در کالانشهر تهران» معتقدند برنامه ریزی و سیاستگذاری مسکن یکی از دغدغه های اصلی امروز برنامه ریزان شهری است. هدف این مقاله، ارائه الگوی برنامه ریزی مسکن بیخانمانها براساس الگوی حق به مسکن مناسب است. این پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و با توجه به ماهیت و روش توصیفی-تحلیلی و از نوع تحلیل محتوا می باشد. ابتدا با استفاده از ادبیات نظری تحقیق الگوی مناسب مسکن در شش شاخص (امنیت تصدی؛ دسترسی به خدمات، تسهیالت و زیرساختها؛ قابلیت سکونت؛ استطاعت و توانایی؛ قابلیت دسترسی و تناسب فرهنگی) تدوین گردیده و سپس با استفاده از روش دلفی متشکل از سه گروه اساتید، کارشناسان و مدیران حوزه مسکن و شهرسازی و دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد که از طریق روش نمونه گیری قضاوتی در دسترس انتخاب شده اند؛ سپس پرسشنامه ها به صورت الکترونیکی ارسال گردید. یافته ها نشان می دهد که شاخص امنیت تصدی با بار عاملی ۸۳/۰، شاخص دسترسی به خدمات، تسهیلات و زیرساختها با ۸۰/۰ و شاخص استطاعت و توانایی با ۶۳/۰ به ترتیب بیشترین بار عاملی و اهمیت را در ارائه الگوی برنامه ریزی مسکن دارد. [\(Bayat & Gholami, 2024\)](#). (تحقیقی با عنوان «تحلیل بزه دیده شناختی بزه دیدگی بی خانمانان»، انجام دادند. نویسندگان تأکید دارند که امروزه بی خانمانی به عنوان یک آسیب اجتماعی و چالشی جدی در کشورهای مختلف از جمله ایران مطرح است. علاوه بر عوامل غیر ساختاری (شخصی-خانوادگی) مؤثر در بروز آن، عوامل ساختاری (اقتصاد، اشتغال و مسکن) به عنوان عامل اصلی بی خانمانی شناخته شده است. افراد بی خانمان قبل و در طول زندگی بی خانمان خود در معرض تهدید قربانی شدن قرار دارند. [\(Mackenzie, 2012\)](#) در مقاله «بی خانمانی: تعاریف»، بحث تعریفی مفصلی را درباره «بی خانمانی» دنبال می کند. بخش اول به تشریح موضوعات اصلی در بحث می پردازد. بخش بعدی در مورد بی خانمانی به عنوان یک مسأله اجتماعی به این موضوع می پردازد که چگونه تعاریف بی خانمانی برای افرادی که به عنوان «بی خانمان» طبقه بندی می شوند، پیامدهایی دارد، بنابراین اندازه جمعیت بی خانمان را تعیین می کند و اینکه آیا می توان بی خانمانی را به عنوان یک مسأله «بزرگ» مطرح کرد که شایسته بررسی در اولویت سیاست عمومی بالاست یا نه. [\(Corinth & Vries, 2018\)](#) در مقاله ای با عنوان «پیوندهای اجتماعی و وقوع بی خانمانی»، با توجه به نقش انسجام اجتماعی سعی کردند تا به این سؤال پاسخ دهند که چرا برخی افراد بی خانمانی را تجربه می کنند و برخی دیگر تجربه نمی کنند. محققان تأکید دارند که توجیهات نظری برای اینکه چرا پیوندهای اجتماعی می تواند بر تجربه بی خانمانی فرد تأثیر بگذارد وجود دارد. پیوندهای اجتماعی به طور مثبت با سلامت جسمی و روانی بهتر همراه است و می تواند برای مقابله با شرایط سخت توانمندی ایجاد کند. اگرچه حمایت های اجتماعی در بهبود استرس

مهم هستند، اما می‌توانند در میان گروه‌هایی از افراد نسبتاً کمیاب باشند. [Fawler & et al\(2019\)](#) در مقاله‌ای با عنوان «حل بی‌خانمانی از دیدگاه سیستم‌های پیچیده: بینش‌هایی برای پاسخ‌های پیشگیری، دامنه بی‌خانمانی، تأثیر بی‌خانمانی، علل پیچیده بی‌خانمانی و پیامدها و الزامات این عوامل را در پاسخگویی به بی‌خانمانی بررسی کردند. نویسندگان مقاله تأکید دارند که بی‌خانمانی یک چالش پایدار بهداشت عمومی در سراسر جهان توسعه یافته است. [Garsia & et al\(2024\)](#)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بی‌خانمانی و سلامت: عوامل، شواهد، نوآوری‌های کارآمد و توصیه‌های سیاسی» ما عوامل ساختاری و فردی را که می‌توانند منجر به بی‌خانمانی شوند، را برجسته می‌کنند، شواهدی در مورد رابطه بین بی‌خانمانی و سلامت بررسی می‌کنند، نوآوری‌های برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری را مورد بحث قرار می‌دهند و توصیه‌هایی برای سیاست‌گذاری ارائه می‌دهند. تلاش‌های سیستم سلامت برای رسیدگی به بی‌خانمانها و بهبود سلامت جمعیت‌های بی‌خانمان. ابتکاراتی که از رویکرد «اولویت با مسکن» برای مسکن دائمی حمایتی استفاده می‌کنند، سابقه موفقیت‌آمیزی دارند. نوآوری‌های تأمین مالی مراقبت‌های بهداشتی ارائه می‌دهند. برای کاهش قابل توجه بی‌خانمانی و بسیاری از تأثیرات نامطلوب آن بر سلامت، تغییراتی برای افزایش عرضه مسکن مقرون به صرفه برای خانوارهای با درآمد بسیار کم مورد نیاز است. افزایش بودجه برای گسترش کپن‌های انتخاب مسکن و سرمایه‌گذاری بیشتر در ایجاد و حفظ مسکن مقرون به صرفه، در مقیاس وسیع ارائه می‌دهند. [Finkielstein\(2025\)](#)، در کتاب «جامعه‌شناسی کسالت» به بررسی علل و پیامدهای جامعه‌شناختی کسالت در میان گروه‌های اجتماعی می‌پردازد. وی تأکید دارد که یکی از گروه‌هایی که به دلیل به حاشیه رانده شدن احساس کسالت شدیدی می‌کنند، بی‌خانمان‌ها هستند. چنین افرادی در حاشیه جامعه زندگی می‌کنند و نقش‌های معناداری در آن ایفا نمی‌کنند. علل اصلی کسالت افراد بی‌خانمان عبارتند از: الف) بیگانگی، زندگی در خارج از جامعه یا در حاشیه آن و فقدان حس تعلق. ب) فقدان شغل، بیش از حد بی‌ساختاری (کسالت آنومیک) نداشتن آینده. ج) فقدان فرصت‌های معنادار برای کاهش این احساس. بی‌خانمان‌ها، مطرودان بیگانه‌ای هستند که دیگر نقش‌های معناداری در زندگی اجتماعی ایفا نمی‌کنند و حس تعلق خود را به محله و اجتماع محلی از دست داده‌اند. به طور کلی، کسالت بی‌خانمان‌ها از قطع ارتباط با مکان‌های معنا سازی و محرومیت از مشارکت در همه ابعاد شهر به جز حاشیه‌ای‌ترین آنها ناشی می‌شود. چنین طردی باعث می‌شود افراد احساس بی‌فایده‌گی، تهی شدن از یک هدف مشروع و یک معنا در زندگی، و مهمتر از همه، حس تعلق داشته باشند. [Parsel & et al\(2025\)](#)، در مقاله‌ای تحت عنوان «برای پایان دادن به بی‌خانمانی چه باید کرد؟ تغییر یا دگرگونی سیستم‌ها» معتقدند یک جنبش آرمانی در سراسر جهان وجود دارد که به دنبال پایان دادن به بی‌خانمانی است. دولت‌های ملی و بازیگران جامعه اهداف اصلی را برای پایان دادن به بی‌خانمانی ترسیم می‌کنند. این مقاله به بررسی این جنبش‌ها می‌پردازد تا مشخص کند که چگونه توصیف می‌شوند. با تکیه بر موفقیت فنلاند در حرکت قابل اندازه‌گیری به سمت پایان دادن به بی‌خانمانی از طریق افزایش عرضه مسکن مقرون به صرفه و

یک دولت رفاه جامع و جهانی، این سوال را مطرح می‌کنیم که کشورهای دیگر چه کاری می‌توانند برای پیشبرد تغییر اجتماعی مورد نیاز برای پایان دادن به بی‌خانمانی انجام دهند. (Nejadghaderi & et al(2025), در مقاله ای تحت عنوان « شیوع بی‌خانمانی و عوامل مرتبط با آن در بین افرادی که مواد مخدر تزریقی در ایران مصرف می‌کنند: نتایج حاصل از بررسی‌های نظارت زیستی-رفتاری در سطح کشور در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ » بی‌خانمانی را در میان افرادی که مواد مخدر تزریق می‌کنند، بررسی می‌کنند و این امر را یک چالش مهم و پیچیده در حوزه سلامت عمومی می‌دانند. در مطالعات کمی عوامل مؤثر در شیوع آن را، به ویژه در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، بررسی کرده‌اند. هدف این مقاله تعیین علل شیوع بی‌خانمانی و عوامل مرتبط با آن در میان مصرف‌کنندگان تزریقی مواد مخدر در ایران از ژوئیه ۲۰۱۹ تا مارس ۲۰۲۰ و بین ماه مه و آگوست ۲۰۲۳ بود. این مطالعه داده‌های دو نظرسنجی ملی (۲۰۲۰ و ۲۰۲۳) در ایران را با تمرکز بر مصرف‌کنندگان بالای ۱۸ سال تجزیه و تحلیل کرد. با شرکت‌کنندگان در مورد اطلاعات جمعیت‌شناختی، مصرف مواد، رفتارهای بهداشتی و تجربیات بی‌خانمانی مصاحبه شد. رگرسیون لجستیک چندجمله‌ای عوامل مرتبط با بی‌خانمانی را تعیین کرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ویژگی‌های اجتماعی-جمعیتی، الگوهای مصرف مواد و رفتارهای بهداشتی به طور قابل توجهی در احتمال بی‌خانمانی در میان معتادان تزریقی نقش دارند. برنامه‌های حمایتی مسکن همراه با مداخلات کاهش آسیب برای کاهش بی‌خانمانی و چالش‌های مرتبط با آن توصیه می‌شود. به طور کلی در نقد و بررسی پیشینه تحقیق چه در داخل و چه در خارج می‌توان گفت که دیدگاه پوزیتیویسم و تأکید بر عوامل ریسک رفتاری نسبت به رویکردهای دیگر غلبه دارد. خبر خوش این است که به تدریج تحقیقات از «جرم‌انگاری» بی‌خانمانی به سمت «حقوق شهروندی بی‌خانمان» حرکت می‌کنند. در پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور مباحث مربوط به چارچوب‌های نظری، سنجش و اندازه‌گیری و گونه‌شناسی بی‌خانمان‌ها یا وجود ندارد و یا اینکه به ندرت به چشم می‌خورد. این در حالی است که پژوهش‌های صورت گرفته به ویژه در اروپا، توجه بیشتری به این موضوعات دارند.

روش

روش تحقیق پژوهش حاضر، کمی، مبتنی بر داده‌های عددی از نوع طرح پیمایشی یک مرحله‌ای^۱ (تک ضرب) می‌باشد. مقاله حاضر از لحاظ ماهیت، از نوع همبستگی و به لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد. از لحاظ گردآوری اطلاعات، پیمایشی می‌باشد. به طور خلاصه، پیمایش‌ها به ما اجازه می‌دهند تا الگوها را توصیف کنیم، فرضیه‌ها را آزمایش کنیم، تفاوت‌های زیرگروه‌ها را بررسی کنیم. پژوهشگران پیمایشی از اعضای یک نمونه می‌خواهند که به یک سری سؤالات پاسخ دهند. افرادی که به سؤالات پیمایش پاسخ می‌دهند، پاسخ دهندگان هستند. بیشتر پیمایش‌ها به زندگی، افکار و رفتار افراد مربوط می‌شوند و از پاسخ‌دهندگان می‌خواهند به سؤالاتی درباره

¹. One - shot survey desig.

خودشان پاسخ دهند (Carr & et al, 2023:258). هدف از انجام این تحقیق، شناسایی دلایل بی‌خانمانی یک گروه در طول چند سال گذشته در شهر کرج می باشد. به لحاظ مقطع زمانی تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و برش مقطعی است. موضوع مورد بررسی به روی بی‌خانمان‌های شهر کرج است. در این مطالعه از پرسشنامه محقق ساخته و طیف پنج گزینه ای لیکرت استفاده شده است. پژوهشگر بنا بر دلایلی چون احتمال بی‌سوادی یا کم سوادی نمونه‌ها، همچنین، ساری بودن برخی بیماری‌ها، یا اهمال در پر کردن پرسشنامه، به نمونه یاری رسانده است. پرسشنامه از دو بخش عمده تشکیل می شود. بخش اول به جمع‌آوری اطلاعات زمینه‌ای می‌پردازد و بخش دوم شامل سؤالات مرتبط به عوامل مؤثر بر گرایش به بی‌خانمانی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل همه افراد بی‌خانمانی است که در زمان مطالعه در گرمخانه‌های ثابت یا متغیر شهر کرج به سر می‌برند. در مرحله اول از روش نمونه‌گیری احتمالی خوشه ای جهت انتخاب مراکز چهارگانه (میدان قدس، حصارک بالا، پارک چمران و مصلی شهر کرج) استفاده شد. در مرحله بعدی از روش نمونه‌گیری تصادفی کمک گرفته شد. مطالعه نشان می‌دهد تعداد این افراد بین ۴۹۰ تا ۵۰۰ نفر می‌باشند و این به محدود بودن فضای گرمخانه‌ها و امکانات رفاهی بر می‌گردد. حجم نمونه در این تحقیق براساس فرمول کوکران برابر با ۲۱۷ می‌باشد که محقق با مشورت استاد راهنما و با توجه به دقت کار آن را به ۳۵۰ نفر پاسخگو افزایش داده است. اعتبار مربوط به صدق یا صحت نتایج است. اعتبار مربوط به درست بودن است نه ثبات. از آنجایی که تعاریف صحیح و نادرست از تعاریف سازگاری یا ثبات گریزان تر است، ارزیابی اعتبار بسیار دشوارتر از پایایی است (Ibid:196). به طور خلاصه اعتبار یعنی، آیا واقعا همان چیزی را می‌سنجیم که قصد سنجش آن را داریم؟ (Baker, 2007:138). برخی از محاسبات آماری رایج برای نشان دادن اینکه روایی چیست و چرا اهمیت دارد مفید هستند. آلفای کرونباخ یک محاسبه ساده است که نوع خاصی از روایی را برای یک متغیر ترکیبی اندازه‌گیری می‌کند. هرچه آلفا بالاتر باشد، ترکیب از نظر داخلی قابل اعتمادتر است، به این معنی که افراد به موارد مختلف به روشی ثابت پاسخ می‌دهند (Carr & et al, 2023:198). علاوه بر این، اگر آلفای کرونباخ بزرگتر از ۰/۷ باشد، پایایی پرسشنامه مورد تأیید است. بنابراین با استناد به مندرجات جدول شماره ۱ و میزان آلفای بدست آمده برای شاخص‌های مورد بررسی باید اذعان داشت که متغیرها دارای پایایی می‌باشند.

جدول ۱. پایایی سوالات مربوط به متغیرهای مستقل مورد بررسی

متغیر	تعداد گویه‌ها	میزان آلفا
امنیت اقتصادی	۹	۰/۸۴۴
امنیت اجتماعی	۸	۰/۸۸۴
انسجام اجتماعی	۱۰	۰/۸۷۳

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها یا به تعبیر «آرتور استینچ کومب» (2005:239)، «واقعیت‌های فرضیه آزما»^۱ از کولموگروف-اسمیرنوف، جهت نرمال بودن داده‌ها و از آزمون‌های پیرسون و رگرسیون، با استفاده از نرم افزار spss استفاده شده است.

یافته های تحقیق

ابتدا به توصیف جامعه آماری بر اساس جنس، سطح تحصیلات، سن، اشتغال، داشتن بیماری، مدت زمان بی‌خانمانی، محل اقامت بی‌خانمان، داشتن خانواده درجه یک و داشتن فرزند، پرداخته‌ایم. و در جدول توصیفی شماره (۲) همراه با درصد آورده شده است.

جدول ۲. جدول توصیفی جامعه آماری

جنس	دسته	فراوانی	درصد	تحصیلات	دسته	فراوانی	درصد
جنس	مرد	۲۵۸	۷۳.۷۱	تحصیلات	زیر دیپلم	۲۰۸	۵۹.۴۲
	زن	۸۰	۲۲.۸۵		دیپلم	۹۳	۲۶.۵۷
	تراجنس	۱۲	۳.۴۲		فوق دیپلم	۲۲	۶.۲۸
سن	زیر ۲۰ سال	۲۱	۶		لیسانس	۲۷	۷.۷۱
	بین ۲۰-۳۰ سال	۴۳	۱۲.۲۸	اشتغال	بیکار	۷۹	۲۲.۵۷
	بین ۳۰-۴۰ سال	۸۹	۲۵.۴۲		شاغل (درآمد ثابت)	۷۰	۲۰
	بین ۴۰-۵۰ سال	۱۳۲	۳۷.۷۱		درآمد متغیر	۱۸۳	۵۲.۲۸
	بالای ۵۰ سال	۶۵	۱۸.۵۷		بازنشسته	۱۸	۵.۱۴
بیماری	اعتیاد	۱۵۸	۴۵.۱۴	مدت	زیر یک سال	۹	۲.۵۷
	عفونی/مقاربتی	۱۳	۳.۷۱		زیر ۵ سال	۹۰	۲۵.۷۱
	روحي / روانی	۳۴	۹.۷۱		زیر ۱۰ سال	۱۸۳	۵۲.۲۸
	سایر بیماریها	۵۹	۱۶.۸۵		بالای ۱۰ سال	۶۸	۱۹.۴۲
	هیچ بیماری	۸۶	۲۴.۵۷	داشتن	بله	۳۲۵	۹۲.۸۵
محل اقامت	کنار خیابان‌ها	۲۱	۶	خانواده درجه یک	خیر	۲۵	۷.۱۴
	گرمخانه‌ها	۲۱۴	۶۱.۱۴	داشتن	بله	۲۲۳	۶۳.۷۱
	پارک	۲۰	۵.۷۱	فرزند	خیر	۱۲۷	۳۶.۲۸
	زیر پل	۲۱	۶				
	بوم خوابی	۲۱	۶				
	گور خوابی	۵۳	۱۵.۱۴				

بعد از توصیف جامعه آماری گویه‌های مربوط به تأثیر مستقل امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی و انسجام

^۱ . Hypothesis- testing' facts

اجتماعی بر بی‌خانمانی را مورد بررسی قرار دادیم. با توجه به جدول شماره (۳)، ۴۱.۱ درصد از پاسخگویان، دارای امنیت اقتصادی بسیار کم و ۴۴ درصد از بی‌خانمان‌ها دارای امنیت اقتصادی کمی هستند و ۱۰ درصد از پاسخگویان، دارای امنیت اقتصادی متوسطی هستند. با توجه به همین جدول، ۱۵.۱ درصد از پاسخگویان، دارای امنیت اجتماعی بسیار کم و ۶۱.۷۱ درصد از آنها دارای امنیت اجتماعی کمی هستند و ۱۶.۹ درصد از پاسخگویان، دارای امنیت اجتماعی متوسط هستند. و در آخر ۱.۱ درصد از پاسخگویان، بسیار زیاد از انسجام اجتماعی برخوردارند و ۳.۷ درصد از پاسخگویان، از انسجام اجتماعی برخوردارند و ۱۲.۹ درصد، تا حدی از انسجام اجتماعی برخوردارند.

جدول ۳. فراوانی و درصد گویه‌های مربوط به تأثیر امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی بر بی‌خانمانی

	امنیت اقتصادی				امنیت اجتماعی				انسجام اجتماعی			
	فراوانی	درصد	درصد	درصد	فراوانی	درصد	درصد	درصد	فراوانی	درصد	درصد	درصد
بسیار کم	۱۴۴	۴۱.۱	۴۱.۱	۴۱.۱	۵۳	۱۵.۱	۱۵.۱	۱۵.۱	۲۱۲	۶۰.۶	۶۰.۶	۶۰.۶
کم	۱۵۴	۴۴	۴۴	۸۵.۱	۲۱۶	۶۱.۷۱	۶۱.۷۱	۷۶.۸۱	۷۶	۲۱.۷	۲۱.۷	۸۲.۳
متوسط	۳۵	۱۰	۱۰	۹۵.۱	۵۹	۱۶.۹	۱۶.۹	۹۳.۷۱	۴۵	۱۲.۹	۱۲.۹	۹۵.۱
زیاد	۱۳	۳.۷	۳.۷	۹۸.۸	۱۰	۲.۸	۲.۸	۹۶.۵۱	۱۳	۳.۷	۳.۷	۹۸.۹
بسیار زیاد	۴	۱.۲	۱.۲	۱۰۰	۱۲	۳.۴	۳.۴	۱۰۰	۱۴	۱.۱	۱.۱	۱۰۰
کل	۳۵۰	۱۰۰	۱۰۰		۳۵۰	۱۰۰	۱۰۰		۳۵۰	۱۰۰	۱۰۰	

در ادامه آمار استنباطی تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. منظور از آمار استنباطی سنجش فرضیات و تعمیم نتایج به کل جامعه آماری می‌باشد. به کمک آمار استنباطی می‌توان میزان نزدیکی آرای نمونه را به آرای جمعیت برآورد کرد. آمار استنباطی ما را قادر به استنباط ویژگی‌های جمعیت از روی ویژگی‌های نمونه می‌کند (Was,2005:138). ابتدا در جدول زیر همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل امنیت اقتصادی و امنیت اجتماعی و انسجام اجتماعی پدیده بی‌خانمانی را بررسی و تفسیر می‌کنیم.

جدول ۴. میزان پیرسون متغیرهای مستقل و بی‌خانمانی

امنیت اقتصادی	مقدار پیرسون	-۰.۵۴۰
	معنی‌داری	.۰۰۰
	تعداد پاسخگویان	۳۵۰
امنیت اجتماعی	مقدار پیرسون	-۰/۴۱۶
	معنی‌داری	.۰۰۰

تعداد پاسخگویان	۳۵۰
مقدار پرسون	۰/۴۶۸ -
معنی داری	۰۰۰
تعداد پاسخگویان	۳۵۰
انسجام اجتماعی	

تفسیر نتیجه حاصل: در مورد متغیر مستقل امنیت اقتصادی با اطلاعات موجود فرض H_0 رد شده و فرض H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر درخصوص رابطه امنیت اقتصادی و بروز بی‌خانمانی می‌توان گفت: بین امنیت اقتصادی با ضریب همبستگی $۰/۵۴۰ -$ و بروز بی‌خانمانی، رابطه معنی داری وجود دارد. به این معنا که هر اندازه که امنیت اقتصادی بیشتر می‌شود، بروز پدیده بی‌خانمانی کمتر می‌شود و در مورد متغیر مستقل امنیت اجتماعی با اطلاعات موجود فرض H_0 رد شده و فرض H_1 (فرضیه پژوهشگر) تأیید می‌شود. به عبارت دیگر درخصوص رابطه امنیت اجتماعی و بروز بی‌خانمانی می‌توان گفت: بین امنیت اجتماعی با ضریب همبستگی $۰/۴۱۶ -$ و بروز بی‌خانمانی، رابطه معنی داری وجود دارد. به این معنا که می‌توان گفت هر اندازه که امنیت اجتماعی بیشتر می‌شود، بروز پدیده بی‌خانمانی کمتر می‌شود. در مورد متغیر مستقل انسجام اجتماعی با اطلاعات موجود فرض H_0 رد شده و فرض H_1 تأیید می‌شود. به عبارت دیگر درخصوص رابطه انسجام اجتماعی و بروز بی‌خانمانی می‌توان گفت: بین انسجام اجتماعی با ضریب همبستگی $۰/۴۶۸ -$ و بروز بی‌خانمانی، رابطه معنی داری وجود دارد. به این معنا که می‌توان گفت هر اندازه که انسجام اجتماعی بیشتر می‌شود، بروز پدیده بی‌خانمانی کمتر می‌شود تحلیل رگرسیون چندگانه به معنای پیش‌بینی اثرات متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است. به عبارتی هم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته مطالعه می‌کند و هم پیش‌بینی تأثیر صورت می‌گیرد. (Shiri,2020:86) از طریق تحلیل رگرسیون به تبیین و تخمین تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیر یا متغیرهای مستقل می‌پردازیم (Saei,2009:139). مقادیر بزرگ ضریب همبستگی چندگانه (R) اشاره به همبستگی بالا و قوی بین مقادیر مشاهده شده و مقادیر پیش‌بینی شده دارد (Field,2000:103).

جدول ۵. نتایج رگرسیون چندمتغیره متغیرهای وارد شده در رگرسیون

ضرایب					
سطح معناداری	t	ضرایب استاندارد شده		ضرایب غیر استاندارد	
		بتا	خطای استاندارد	B	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۰	۲۱/۹۳۰		۲/۵۴۶	۵۵/۸۴۱	ثابت
۰/۰۰۰	۱۶/۶۱۲	۰/۵۱۶	۰/۰۶۲	۱/۰۳۲	امنیت اقتصادی
۰/۰۰۰	۱۱/۷۰۶	۰/۳۶۸	۰/۰۸۹	۱/۰۴۳	امنیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۱۶/۴۱۱	۰/۵۱۲	۰/۰۸۲	۱/۳۵۰	انسجام اجتماعی

در این جدول ضریب رگرسیون غیراستاندارد، ضریب رگرسیونی استاندارد شده بتا، مقدار t و سطح معناداری گزارش شده است. با توجه به مندرجات جدول، میزان بتای متغیر مستقل امنیت اقتصادی $0/516$ می باشد. بدین معنی که امنیت اقتصادی 51% درصد متغیر وابسته بیخانمانی را تعیین می کند. از طرفی مقدار t و مقدار sig معنی دار بودن آماری تأثیر این متغیرهای مستقل را نشان می دهد. در جدول مقدار t این متغیر ($16/612$) بزرگتر از 1.96 می باشد و دارای سطح معناداری $0/000$ کمتر از 0.05 است. که نشان می دهد که این متغیر مستقل بر متغیر وابسته بی خانمانی تأثیر معنی دار دارد. میزان بتای متغیر مستقل امنیت اجتماعی $0/368$ می باشد. بدین معنی که امنیت اجتماعی 36% درصد متغیر وابسته بیخانمانی را تعیین می کند. در جدول مقدار t این متغیر ($11/706$) بزرگتر از 1.96 می باشد و دارای سطح معناداری $0/000$ کمتر از 0.05 است. که نشان می دهد که این متغیر مستقل بر متغیر وابسته بی خانمانی تأثیر معنی دار دارد. میزان بتای متغیر مستقل انسجام اجتماعی $0/512$ می باشد. بدین معنی که انسجام اجتماعی 51% درصد متغیر وابسته بیخانمانی را تعیین می کند. در جدول مقدار t این متغیر ($16/411$) بزرگتر از 1.96 می باشد و دارای سطح معناداری $0/000$ کمتر از 0.05 است. که نشان می دهد که این متغیر مستقل بر متغیر وابسته بی خانمانی تأثیر معنی دار دارد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به تأیید شدن تمام فرضیه های تحقیق باید با نتایج حاصله از تحقیقات دیگر محققین مقایسه شوند که در شرح ذیل به تفصیل آمده است.

۱- به نظر می رسد بین امنیت اقتصادی و بی خانمانی رابطه معناداری وجود دارد. عوامل متعددی بر وضعیت فقر خانواده های کارگری تأثیر می گذارند. اندازه خانواده، تعداد کارگران خانواده، ویژگی های کارگران و مشکلات مختلف بازار کار. به طور مثال اضافه شدن فرزند به خانواده فشار مالی وارد می کند و احتمال اینکه والدین مجبور شوند برای مراقبت از کودک در خانه بمانند را افزایش می دهد. حتی یک فرزند در یک خانواده تک والدی ممکن است کار کند. البته کودکان معمولاً با دستمزدهای کم و در مشاغل پاره وقت به کار گرفته می شوند. بنابراین جای تعجب نیست که افرادی که به طور تمام وقت مشغول به کار هستند درآمد کافی برای خوراک و پوشاک و مسکن نداشته باشند چون میزان درآمد آنها توانایی اینکه آنها را از فقر دور نگه دارد، ندارد. پاسخگویان در تحقیق خاص هیچ پشتوانه قوی مالی مانند ارث یا ملک نداشتند، برخی دیگر حقوق مکفی ثابت ماهانه برای پرداخت اجاره بهای مسکن نداشتند و بسیاری از ایشان بیکاری های طولانی یا حتی اخراج از کار را تجربه کرده بودند. این موضوع با نتایج حاصله از تحقیقات محققین زیر هماهنگی باشد.

[Marx\(1964\)](#), [Appelrouth & Edles\(2021\)](#) , [Meshkini & Shakeri Mansour\(2023\)](#) , [Bayat & Gholami \(2024\)](#) , [Parsel & et al\(2025\)](#) , [Garsia & et al\(2024\)](#).

۲- به نظر می رسد بین امنیت اجتماعی و بی خانمانی رابطه معناداری وجود دارد.

افراد بی‌خانمان در فضاهای عمومی زندگی می‌کنند و بسیاری از افراد جامعه تصور می‌کنند که حق کنترل یا تنظیم کارهایی را که افراد بی‌خانمان در این فضاهای مشترک می‌توانند انجام دهند را دارند. البته، یک شهر یا سیاست‌های شهری طبعاً قوانینی را برای محدود کردن فعالیت‌های بی‌خانمان‌ها، یا تخریب مکان‌های زندگی آنها معرفی می‌کنند. به طور مثال شهرداری تحریم‌های کیفری برای حفاظت از فضاهای عمومی (با تلاش حافظان محیط زیست) برای جلوگیری از مجرم شدن بی‌خانمان‌ها در نظر گرفته است. دادگاه‌های اجتماعی نیز به طور خاص برای رسیدگی به مزاحمت‌های عمومی راه حل‌هایی را ارائه می‌دهند. مثل طرح‌هایی به عنوان خصوصی‌سازی اموال عمومی به عنوان راهی برای محدود کردن دسترسی افراد بی‌خانمان به مناطق خاص. مثلاً دراز کشیدن یا خوابیدن بر روی صندلی‌های پارک‌ها. مجرم انگاری بی‌خانمان‌ها باعث ایجاد تفرقه می‌شود و نبردهای حقوقی پرهزینه‌ای را به دنبال دارد. همین تفرقه‌های اجتماعی باعث می‌شود برخی اقلیت‌ها اعم از مذهبی یا جنسی نتوانند جایی برای خود در اجتماع باز کنند و انگ فساد یا لابی‌گری را با خود به دوش بکشند. پاسخگویان در تحقیق حاضر تجربه مجرم انگاشته شدن یا لابی‌بودن به لحاظ جنسی را در بیشتر موارد دارند. این موضوع با نتایج حاصله از تحقیقات محققین زیر هماهنگ است.

[Turner\(2018\)](#), [Sahraei\(2022\)](#), [Hodson\(2012\)](#), [vising\(2020\)](#), [Nejadghaderi & et al\(2025\)](#)

۳- به نظر می‌رسد بین انسجام اجتماعی و بی‌خانمانی رابطه معناداری وجود دارد.

عموماً واژه خشونت خانگی در ابتدای امر، رفتارهای خشن فیزیکی یا روانی علیه زنان را به اذهان متبادر می‌کند اما درصدی هم می‌توان علیه سالمندان یا معلولین در نظر گرفت که البته علیه زنان و دختران درصد بالاتری را به خود اختصاص می‌دهد. نپذیرفته شدن پس از طلاق در خانواده، یا عدم ادغام در بافت خانواده‌های سستی، تجاوزات جنسی و... همگی می‌تواند دلایل عمده‌ای برای خشونت‌های خانگی علیه زنان یا دختران باشند. بی‌خانمانی در نتیجه این عامل در شهرهای کوچکتر بیشتر اتفاق می‌افتد تا در شهرهای توسعه یافته. حمایت‌های رسمی چون دریافت از کارافتادگی یا حقوق بیکاری مستمر نیز در زمره انسجام اجتماعی قرار می‌گیرد که هیچ کدام از سالمندان یا معلولین بی‌خانمان حاضر در این تحقیق دریافت نکرده‌اند. این موضوع با نتایج حاصله از تحقیقات محققین زیر هماهنگ است.

[Miri\(2021\)](#), [Vissing\(2020\)](#), [Macionis\(2017\)](#), [Simmel\(1903/1971\)](#), [Eisari\(2024\)](#), [Corinth&Vries\(2018\)](#), [Finkielstein\(2025\)](#).

بی‌خانمانی یک موضوع پیچیده با دلایل زمینه‌ای متعدد است، بنابراین یافتن راه حل‌های مؤثر نیازمند یک رویکرد جامع و مشارکتی است.

۱. راه حل‌های مسکن مقرون به صرفه: ساخت مسکن ارزان قیمت و ارائه یارانه برای مقرون به صرفه بودن مسکن، سنگ بنای کاهش بی‌خانمانی است. دولت‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در تأمین

مسکن ارزان قیمت دارند. سیاست‌هایی که مسکن ارزان قیمت، سرمایه‌گذاری در برنامه‌های مسکن عمومی و استراتژی‌های مسکن را در اولویت قرار می‌دهند در ارائه گزینه‌های مسکن پایدار ضروری هستند.

۲. خدمات حمایتی و تأمین اجتماعی: بی‌خانمانی نیازمند راه حلی جامع از جمله مسکن، خدمات حمایتی و رسیدگی به علل ریشه‌ای مانند فقر و بیکاری است. سیستم‌های تأمین اجتماعی می‌توانند نرخ بی‌خانمانی را به میزان قابل توجهی کاهش دهند. دولت‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی باید برای ارائه خدمات حمایتی مناسب برای کمک به بی‌خانمان‌ها به منظور بازیابی ثبات و استقلال همکاری کنند.

۳. تغییر نگرش: تغییر نگرش جامعه نسبت به بی‌خانمانی ضروری است. مشاوره در سطح مدرسه و کمپین‌های آموزشی و آگاهی بخشی می‌تواند همدلی و حمایت را تقویت کند و به تغییر نگرش عمومی کمک کند. بی‌خانمانی یک انتخاب نیست و افرادی که آن را تجربه می‌کنند افرادی با نیازهای منحصر به فرد هستند. رفتار محترمانه با آنها برای تسهیل ادغام مجدد آنها در جامعه ضروری است.

۴. تأمین مالی: بودجه و تخصیص منابع کافی توسط دولت برای میزان و اثربخشی مداخلات بی‌خانمان‌ها اساسی است. سرمایه‌گذاری در پیشگیری از بی‌خانمانی، سرپناه‌های اضطراری، مسکن انتقالی، خدمات بهداشت روانی و درمان سوء مصرف مواد برای رسیدگی مؤثر به این موضوع ضروری است.

۵. همکاری و هماهنگی: همکاری و هماهنگی در همه سطوح، شامل ذینفعانی مانند سازمان‌های اجتماعی، سازمان‌های غیرانتفاعی و ارائه‌دهندگان خدمات، برای مقابله مؤثر با بی‌خانمانی ضروری است. برای ایجاد هم افزایی در تلاش‌ها، برنامه‌های جامع شامل همه طرف‌های مرتبط بسیار مهم است. این شامل به اشتراک‌گذاری داده‌ها و بهترین شیوه‌ها و توسعه و اجرای طرح‌های جامع برای رسیدگی به این موضوع است.

۶. داده‌ها و تحقیقات: جمع‌آوری و تحقیق داده‌ها برای سیاست‌گذاری آگاهانه، شناسایی شکاف‌های خدماتی و تخصیص کارآمد منابع بسیار مهم است. داده‌های جامع و شمارش ملی برای درک بی‌خانمانی و توسعه مداخلات مؤثر ضروری است. داده‌های معتبر و شمارش جامع ملی بسیار مهم هستند.

References

- Allen, M., Benjaminsen, L., O'Sullivan, E. and Pleace, N. (2020) Ending Homelessness in Denmark, Finland and Ireland. Bristol: Policy Press.
- Appleroth, Scott, Edles, Laura Desfour (1400), Classical and Contemporary Sociological Theory: Text and Readings, translated by Soleiman Mirzaei Rajyouni, Tehran: Vanya.[in Persian].
- Baum, Alice and Burns, Donald. 1994. "A Nation in Denial: The Truth About Homelessness." Sociology and Social Welfare 21(2): 23.
- Bayat, Mohsen; Gholami, Hossein (1403), Victimological analysis of homeless victimization, Criminal Law Research Journal, Year 15, Issue 1, Spring and Summer, Serial No. 29, Pages 33-47.[in Persian].
- Baker, Tresa L.(2007). Theoretical Research Method in Social Sciences (Social Sciences Major), Tehran: Payam Noor University:138.[in Persian].

- Bidari, Shaghayegh (2016), "A Look at the Lived Experience of Homelessness of Prostitute Women", Tehran: Sanjesh va Danesh Publication, Path to Doctorate.[in Persian].
- Bonds, Eric. (2021). *Social Problems A Human Rights Perspective*, Routledge.
- Carr, Deborah & Hager Boyle, Elizabeth & Cornwell, Benjamin & Corell, Shelley & Krasnow, Robert & Freese, Jeremy & Waters, Mary C. (2023), *The Art and Science of Social Research*, translated by Suleiman Mirzaei Rajjouni, Tehran: Vanya:258.[in Persian].
- Crab,Yan.(2003). *Classical Social Theory: An Introduction to the Thought of Marx, Weber, Durkheim, and Simmel*, translated by Shahnaz Masamiparast, Tehran: Agah:414. [in Persian].
- Corinth, Kevin and Claire Rossi-de Vries (2018), *Social Ties and the Incidence of Homelessness* American Enterprise Institute, Washington, DC. <https://doi.org/10.1080/10511482.2018.1425891>
- Eisari, Maryam (2024),"Challenges of Life and Management in Shelters for Homeless Women in Tehran", *Quarterly Journal of "Research on Deviance and Social Issues"*, Issue 8, Summer: 1-39.[in Persian].
- Field, Andy P.(2000)*Discovering Statistics Using SPSS for Windows: Advanced Techniques for the Beginner*. SAGE.
- Finkielsztejn, Mariusz (2025), *The Sociology of Boredom and Impatience*, translated by Soleiman Mirzaei Rajjouni, Tehran: Vania .[in Persian].
- Fowler, Patrick J. Peter S. Hovmand, Katherine E. Marcal, and Sanmay Das (2019), *Solving Homelessness from a Complex Systems Perspective: Insights for Prevention Responses* , *Annual Review of Public Health* Volume 40, pp 465-486.
- Gans, Herbert J. (1972), "The positive functions of poverty." *American Journal of Sociology* 78: 275–289.
- Ghaderi, Salman; Akbari, Asghar (2006), *Homelessness*, Tehran: Aron Publishing House. [in Persian].
- Garsia,Cheyenne.Doran,Kelly.Kushel,Margot:(2024): *Homelessness And Health: Factors, Evidence, Innovations That Work, And Policy Recommendations*. doi: 10.1377/hlthaff.2023.01049 *HEALTH AFFAIRS* 43, NO. 2: 164–171 .
- Hopper, K.(2003)*Reckoning with Homelessness*(Ithaca: Cornell University Press).
- Ignatieff, M. (1978) *A Just Measure of Pain: The Penitentiary in the Industrial Revolution, 1750– 1850* (Harmondsworth: Peregrine).
- Hudson, Christopher G.(2012).“Patterns of Residential Mobility of People with Schizophrenia.” *Journal of Sociology & Social Welfare* 39(3): 149–179.
- Hulchanski, D. 2009. *Homelessness in Canada: Past, present, future*. Conference keynote address for Growing Home: Housing and Homelessness in Canada. University of Calgary, February 18, 2009.
- Kapur, Radhika (2022), *Understanding Gender Inequality as a Social Problem*. Delhi University.
- Lastsen Bagg, Carsten; Troe Larsen, Lars; William Nielsen, Matthews; Raven, Tine; Sorensen, Merce Y.(2022). *Social Theory (Textbook)*. Translated by Suleiman Mirzaei Rajeoni, Nazila Abedian Shahraki, Karaj, ayisa .[In Persian].
- MacKenzie, D (2012), *Homelessness: Definitions*. In *International Encyclopedia of Housing and Home*, Editor-in-Chief Suzan Smith. Elsevier Ltd.

- Marx, Karl. 1964; original 1848. Communist Manifesto. New York: Washington Square Press.
- Macionis, John. (2017). Social Issues, translated by Houshang Naibi, Tehran: Research Institute for Culture, Art and Communications:42.[in Persian].
- Meshkini, Abolfazl, Shakeri Mansour, Elaheh (2023): A Relief for the Urban Poor: Providing a Pattern for Homelessness Housing Planning in Tehran Metropolis, Journal of Regional Planning Autumn. Vol 13. Issue 51 ISSN (Print): 2251-6735 - ISSN (Online): 2423-7051 <https://jzpm.marvdasht.iau.ir/>.
- Miri, Maryam (2021), "Demographic and Sociological Study of Carton Sleeps in Tehran", Psychological and Educational Sciences Studies (Iranian Center for the Development of Modern Education), Summer 1400, Volume 7 - Issue 2, pages 226-243.[in Persian].
- Mills, C. W. 1959. The Sociological Imagination. London: Oxford University Press.
- Nohavors, Fredrick. (2023). Diagnosing Social Pathology: Rousseau, Hegel, Marx, and Durkheim, translated by Soleiman Mirzaei Rajeoni, Tehran: Vania:25.[in Persian].
- Parsel, Cameron, Kaakinen, Juha, Fitzpatrick, Suzanne, Kuskoff, Ella (2025): What does it take to end homelessness? Tweaking or transforming systems. ISSN: 0267-3037 (Print) 1466-1810 (Online) Journal homepage: www.tandfonline.com/journals/chos20. DOI: 10.1080/02673037.2025.2493360.
- Peet, Richard & Hard Wick, Alain. (2021). Development Theories: Controversies, Arguments, and Alternatives, translated by Soleiman Mirzaei Rajyouni, Adel Ebrahimi Loya, and Azin Farahpour, 3rd edition, Tehran: Louyeh:21.[in Persian].
- _Nejadghaderi, Seyed Aria, Kadkhodamanesh, Azin, Mehmandoost, Soheil, Sharifi, Meraj, Tavakoli, Fatemeh, Bazrafshani, Maliheh, Sadat, Khezri, Mehrdad, Mirzaei, Hossein, Nsiri, Naser, Bajelan, Sakineh, Sattari, Marieh, Iranpour, Abedin, Sharifi, Hamid. (2025): The prevalence of homelessness and its associated factors among people who inject drugs in Iran: results from nationwide bio-behavioral surveillance surveys in 2020 and 2023. BMC Public Health. Jun 2;25:2036. doi: [10.1186/s12889-025-23204-2](https://doi.org/10.1186/s12889-025-23204-2)
- Ramezani, Mohammad Ali et al. (2019), "Investigating the Efficiency of Homeless Organization Policies in Iran", Scientific Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy, Fall, Volume 2, Issue 32, pages 84 to 107.[in Persian].
- Sanderson, Stephen K. (2012), Rethinking sociological theory: introducing and explaining a scientific theoretical sociology. Taylor & Francis.
- Sahraei, Soheila. (2022). Homelessness; Experiences and Identities of Homeless People: A Sociological Perspective, Tehran: Vania:30.[in Persian].
- Saei, Ali. (2009). An Introduction to Social Research Methodology, Tehran: Agah Publishing: 139.[in Persian].
- Seyedin, Neda & Adhami, Abdolreza & Khademian, Talieh. (2022). "A sociological analysis of the impact of abnormality on social indifference," Sociological Research, 16th year, 3rd issue, Fall, pages 55-80.[in Persian].
- Sen Amartya. (2015). Development means freedom. Translated by Mohammad Hossein Nouri Naeini. Tehran: Nei.[in Persian].
- Shiri, Tahmoures. (2020). Applied topics in statistics in the humanities, Tehran: Simaye Shargh Publishing:86.[in Persian].

- Simmel, Georg. (1903/1971). "The Metropolis and Mental Life." Pp. 324–39 in *On Individuality and Social Forms*, edited by Donald N. Levine. Chicago: University of Chicago Press.
- Stinchcombe, Arthur L. (2005). *The Logic of social research*. Chicago: University of Chicago Press.
- Turner, Jonathan H. (2018), *Theoretical Principles of Sociology*, translated by Adel Ebrahimi Loya, Soleiman Mirzaei Rajeoni and Nazila Abedian Shahraki, Volume 2, Tehran: Loya Publishing House .[in Persian].
- Vissing, Yvonne. Christopher G. Hudson, and Diane Nilan (2020). *Changing the Paradigm of Homelessness*, Routledge.
- Was, David W.(2005). *Research design in social research*, translated by Houshang Naibi. Tehran: Agah:138.[In Persian].
- Zare, Zahra (2018), The relationship between individual factors and the frequency and duration of homelessness. *Quarterly Journal of Social Work*, 7 (2): 40-45.[In Persian].

Homelessness as a social issue: with emphasis on the impact of economic security, social security, and social cohesion on the phenomenon of homelessness. Case study: Karaj city

Abstract

Objective: This study was conducted to investigate the relationship between homelessness and the variables of economic security, social security, and social cohesion, therefore, it is practical in terms of purpose.

Research Methodology: The present study was conducted using a quantitative method and a researcher-made questionnaire among the homeless in Karaj city. Therefore, in terms of collecting survey data, it is of a correlational nature. The statistical population of the present study includes all homeless people who are living in fixed or variable shelters in Karaj city at the time of the study. The recorded statistics for these people are approximately between 490 and 500 people. The sample size of this study, based on the Cochran formula, is 217, which the researcher increased to 350 respondents in consultation with the supervisor and considering the accuracy of the work. The sampling method was used in the first stage as a cluster to select four centers (Quds Square, Upper Hesarak, Chamran Park, and Mosalla in Karaj City), and in the next stage it was random. Pearson statistical tests and multivariate regression were used to analyze the data, and it was examined using SPSS software.

Findings: The results show that there is a significant relationship between economic security (with a beta coefficient of 0.516) and the phenomenon of homelessness. This means that the independent variable of economic security has a 51% effect on the incidence of homelessness. On the other hand, there is a significant relationship between social cohesion (with a coefficient of 0.512) and the phenomenon of homelessness. This means that the independent variable of social cohesion has a 51% effect on the incidence of homelessness. And finally, there is a significant relationship between social security (with a

beta coefficient of 0.368) and the phenomenon of homelessness. This means that the independent variable of social security has a 36% effect on the incidence of homelessness.

Keywords: Homelessness, economic security, social security, social cohesion, social issue.